



تحلیل رمزگان عملیاتی نتایهاو در عرصه سیاست خارجی^۱

جواد عرب‌عامری^۲، محسن اسلامی^۳، سیدمسعود موسوی شفائی^۴، محمدحسین جمشیدی^۵

چکیده

بنیامین نتانیاهاو با بیش از پانزده سال سابقه نخست‌وزیری، سهم زیادی در شکل دادن به تصمیمات سیاست خارجی اسرائیل داشته است؛ از این رو، آگاهی از باورهای اساسی وی می‌تواند نقش مهمی در شناخت رفتار سیاست خارجی این رژیم داشته باشد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «تصمیمات نتانیاهاو در عرصه سیاست خارجی، مبتنی بر کدام الگوی ادراکی بوده است؟» «آیا این الگوی ادراکی در طول زمان ثابت بوده یا دچار تغییر شده است؟» بنابراین، هدف اصلی پژوهش، کشف باورهای محوری نتانیاهاو، به عنوان یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر رفتار سیاست خارجی اسرائیل است. به این منظور، داده‌های گفتاری نتانیاهاو در عرصه سیاست خارجی با استفاده از چارچوب مفهومی تحلیل رمزگان عملیاتی و روش «افعال در نظام متن» در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۹ در مقایسه با میانگین گروه مرجعی از رهبران جهانی، بررسی شده است. نتایج تحلیل کمی متون مربوط به سخنرانی‌های نتانیاهاو با استفاده از نرم‌افزار "Profiler+" نشان می‌دهد که بین باورهای فلسفی و ابزاری نتانیاهاو در کابینه دوم و سوم (۲۰۱۵-۲۰۰۹) با باورهای وی در کابینه چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵)، تفاوت محسوسی وجود دارد. نتانیاهاو

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل با عنوان «تأثیر نظام ادراکی نخبگان سیاسی بر سیاست امنیتی اسرائیل ۲۰۱۹-۲۰۰۹» در گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس است.

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. j.arabameri@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-8254-0198>

۳. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). eslami.m@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-4733-3497>

۴. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. shafae@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-3882-5203>

۵. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. jamshidi@modares.ac.ir



در مقطع نخست، ماهیت جهان سیاست را درهماهنگی با منافع اسرائیل، تحقق ارزش‌های سیاسی را در پیگیری یک استراتژی به‌صراحت همکاری‌جویانه و مطلوبیت را در استفاده از ابزارهای مشارکتی در قبال بازیگران سیاسی می‌نگریست. وی در مقطع دوم، ماهیت جهان سیاست را در تعارض با منافع اسرائیل، تحقق ارزش‌های سیاسی را در پیگیری یک استراتژی محدود همکاری‌جویانه، و مطلوبیت را در کاربرد ابزارهای متعارض در برابر بازیگران سیاسی دیگر در نظر می‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: نتائهاو، باورها، رمزگان عملیاتی، افعال در نظام متن، سیاست خارجی اسرائیل.



Operational Code Analysis of Netanyahu in Foreign Policy

Javad Arabameri¹ , Mohsen Eslami² , Seyed Masoud Mousavi Shafae³ ,
Mohammad Hossein Jamshidi⁴

Abstract

Benyamin Netanyahu with more than fifteen years of experience as prime minister has been a major role in shaping the Israeli foreign policy decision making. Knowledge about his central beliefs can play an important role in understanding Israeli foreign policy behavior. The question is, what cognitive approach does Netanyahu have in foreign policy? Have these cognitive approaches been constant or changed over time? The aim of this paper is to explore Netanyahu's central beliefs as one of the main factors influencing Israeli foreign policy. In this regard, Netanyahu's verbal materials in foreign policy were examined between 2009 and 2019, using eee cccclllll llawwwkkk ff eeeaaiaaaal ceee aaayyss add eee "eesss nn context sy"""""" dddddd ddcrrrrr rrr ooa norming group average of world leaders. The results of the quantitative analysis of Neyyyyassss sss ecees yy (Profiler +) software show that there is a significant difference between Netanyahu's philosophical and instrumental beliefs in the second & third terms (2009-2015) on the one hand, and his beliefs in the fourth term (2015-2019), on the other hand. In the first round, Netanyahu saw the nature of the political universe in harmony with Israel's interests. Moreover, he realized political values in adopting a cooperative strategy, and the usefulness of



۳۸۳

تحلیل رمزگان عملیاتی
نتانياهو در عرصه سیاست
خارجی

^۱ PhdGraduate in international relations, Tarbiat Modares University, Tehran-Iran.

j.arabameri@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-8254-0198>

^۲ Associate professor in international relations, Tarbiat Modares University, Tehran-Iran.
(Corresponding Author), eslami.m@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-4733-3497>

^۳ Associate professor in international relations, Tarbiat Modares University, Tehran-Iran.
shafae@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-3882-5203>

^۴ Associate professor in international relations, Tarbiat Modares University, Tehran-Iran.
jamshidi@modares.ac.ir

utilizing cooperative tools with regards to other actors. In the second round, he considered the nature of the political universe in conflict with Israel's interests, realizing values in pursuing a limited cooperative strategy, and the usefulness of employing conflictive tools versus other political actors.

Keywords: Netanyahu, Beliefs, Operational Code Analysis, VICS, Israel Foreign Policy.



چارچوب‌های ادراکی (شناختی) و نظام‌های باور^۱ نخستین منظری است که رهبران سیاسی از منشور آن به جهان پیرامون خود می‌نگرند. در چارچوب رویکردهای ادراکی، افراد (رهبران) به‌عنوان کارگزاران اصلی سیاست خارجی، در رویارویی با پدیده‌های بیرونی پیش از هر چیز، به باورها، برداشت‌ها، ارزش‌ها، عواطف، گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک، پیشینه تاریخی و ویژگی‌های شخصیتی خود متکی هستند. این مسئله از این سنت تاریخی سرچشمه می‌گیرد که سیاست‌گذاری خارجی برای قرن‌ها در حوزه عمل نخبگان سیاسی حاکم، شامل رهبران، رؤسای قوای مجریه، وزرای امور خارجه، و حتی وزرای دفاع بوده است. یکی از مصداق‌های آشکار این نگرش خرد و کارگزارمحور، سیاست خارجی اسرائیل است. از آغاز تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تا امروز سیاست خارجی آن همواره توسط گروه انگشت‌شماری از نخبگان سیاسی این رژیم هدایت می‌شود که اقتدارشان را وام‌دار جایگاه رهبری احزاب سیاسی حاکم بوده و بیشتر تصمیمات راهبردی و تاکتیکی جهت‌دهنده به روابط خارجی آن را اتخاذ می‌کنند. فرد اصلی در دولت اسرائیل همواره نخست‌وزیر این رژیم بوده است. نخست‌وزیر، بیش از هر مقام سیاسی بلندپایه‌ای در تعیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی اسرائیل نقش داشته است. میزان تسلط نخست‌وزیر بر سیاست خارجی اسرائیل، به عوامل گوناگونی مانند شخصیت فرد، حضور یا عدم حضور رقبای سیاسی چالشگر، میزان انسجام نخبگان جامعه، و تمایل نخبگان دیگر سیاسی به واگذاری مسائل خارجی و امنیتی به وی وابسته بوده است (Brownstein, 1977, 262).

با وجود نظام ائتلافی دولت اسرائیل و شکنندگی ائتلاف‌های احزاب سیاسی در یک دهه گذشته، یکی از نخبگان سیاسی این رژیم که توانسته است بقای سیاسی و جایگاه خود را در عالی‌ترین سطح ساختار سیاسی شکننده اسرائیل برای بیش از یک دهه حفظ کند، بنیامین نتانیا هو است. نتانیا هو، قدرتمندترین فرد در ساختار سیاسی مبتنی بر دموکراسی پارلمانی رژیم اسرائیل در طول یک دهه گذشته بوده است. وی با بیش از پانزده سال سابقه نخست‌وزیری^۲، رکورد طولانی‌ترین دوره رهبری اسرائیل در طول حیات هفتاد و سه ساله این رژیم را در اختیار داشته و دیدگاه‌هایش بر سیاست خارجی اسرائیل، تأثیر فراوانی گذاشته

۱ Cognitive Framework

۲ Belief Systems

۳. مقطع نخست (۱۹۹۹-۱۹۹۶)، مقطع دوم (۲۰۲۱-۲۰۰۹).



است؛ از این رو، آگاهی از ادراک و باورهای اساسی وی می‌تواند نقش مهمی در شناخت و پیش‌بینی رفتار سیاست خارجی این رژیم در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «تصمیمات نتانیاها در عرصه سیاست خارجی، مبتنی بر کدام الگوی ادراکی بوده است؟» «آیا این الگوی ادراکی در طول زمان، ثابت بوده یا دچار تغییر شده است؟» نگاهی به تحول در محیط امنیتی اسرائیل در طول سال‌های اخیر، نشان‌دهنده کاهش تدریجی تهدیدهای بیرونی، به‌عنوان متغیرهای ساختاری اثرگذار بر سیاست خارجی این رژیم بوده است. تحولاتی مانند اشغال عراق توسط آمریکا، وقوع تحولات انقلابی در جهان عرب، جنگ داخلی در سوریه، تجزیه سودان، افزایش فشارهای بین‌المللی بر برنامه اتمی ایران، و همچنین، تلاش برخی از دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس برای به رسمیت شناختن اسرائیل، از جمله مصداق‌های آشکار این تحولات ساختاری به‌شمار می‌آیند که همگی در راستای منافع اسرائیل بوده و با کاهش تهدیدات منطقه‌ای، تأثیر متغیرهای بیرونی بر رفتار سیاست خارجی این رژیم را به‌گونه‌ای چشمگیر کاهش داده است. این در حالی است که تحولات یادشده، تأثیر چندانی بر تغییر یا تعدیل رویکرد امنیتی اسرائیل در سیاست خارجی نداشته و حتی در مواردی به تقویت و تشدید رفتار امنیتی اسرائیل در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی انجامیده است؛ موضوعی که ریشه آن را باید در متغیرهای خرد و داخلی اثرگذار بر سیاست خارجی اسرائیل و به‌طور مشخص، تأثیر نظام باورهای نخبگان سیاسی این رژیم، به‌ویژه نخست‌وزیر آن، جست‌وجو کرد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، کشف باورهای محوری بنیامین نتانیاها، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده به رفتار سیاست خارجی (امنیتی) اسرائیل در سه کابینه تحت رهبری وی در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی تحلیل رمزگان عملیاتی^۱ و به‌طور مشخص، الگوی ارائه‌شده توسط استفان واکر، مارک شیفر، و مایکل یانگ (۱۹۹۸) موسوم به «افعال در نظام متن»^۲ است. جامعه آماری مورد بررسی این مقاله، متون مربوط به سیزده سخنرانی رسمی نتانیاها در مجامع داخلی و بین‌المللی با موضوع سیاست خارجی اسرائیل بوده است. همه داده‌های گفتاری مورد بررسی، به زبان انگلیسی بوده و از وبسایت وزارت خارجه اسرائیل به‌عنوان نهاد رسمی روابط خارجی این رژیم، استخراج شده است. نتایج به‌دست آمده از تحلیل رمزگان عملیاتی نتانیاها نشان می‌دهد که بین باورهای فلسفی و ابزاربوی در کابینه دوم و سوم باورهای

^۱ Operational Code Analysis (OCA)

^۲ Verbs in Context System (VICS)

نتانياهو در کابینه چهارم، تفاوت محسوسی وجود دارد. در حالی که نتانياهو در کابینه دوم و سوم (۲۰۱۵-۲۰۰۹)، ماهیت جهان سیاست را در هماهنگی با منافع اسرائیل، تحقق ارزش های سیاسی را در اتخاذ یک استراتژی به صراحت همکاری جویانه و مطلوبیت را در استفاده از ابزارهای مشارکتی در ارتباط با بازیگران سیاسی و بین المللی تعریف می کرد، در کابینه چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵) ماهیت جهان سیاست را در تعارض با منافع اسرائیل، تحقق ارزش های سیاسی را در پیگیری یک استراتژی محدود همکاری جویانه و مطلوبیت را در کاربرد ابزارهای متعارض در برابر بازیگران سیاسی در نظر می گرفت. ساختار کلی مقاله حاضر این گونه است که پس از مقدمه، ادبیات و پیشینه پژوهش در حوزه تحلیل رمزگان عملیاتی در چارچوب مطالعات ادراکی در تحلیل سیاست خارجی بررسی شده و سپس، چارچوب مفهومی و روش شناختی با تأکید بر رویکرد تحلیل رمزگان عملیاتی و روش «افعال در نظام متن» تبیین خواهد شد. در ادامه، داده های گفتاری نتانياهو با استفاده از نرم افزار Profiler+، به عنوان بخشی از چارچوب مفهومی تحلیل رمزگان عملیاتی، مورد تحلیل محتوای کمی قرار گرفته و رمزگان عملیاتی نتانياهو در عرصه سیاست خارجی در قیاس با میانگین یک گروه مرجع متشکل از ۱۳۰ تن از رهبران جهانی، ترسیم شده است. نتایج به دست آمده از این بررسی، بخش پایانی مقاله حاضر را دربر می گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره رویکردهای ادراکی و رمزگان عملیاتی در ادبیات تحلیل سیاست خارجی، پیشینه ای بیش از نیم قرن دارد. تحلیل رمزگان عملیاتی، یکی از رویکردهایی است که منجر به تحلیل های عمیق از نقش و جایگاه باورهای رهبران سیاسی در فرایند شکل گیری سیاست خارجی شده است. تاکنون طیف گسترده ای از پژوهش ها بر پایه این رویکرد در مطالعه نقش نخبگان سیاسی جهان در سیاست خارجی مانند رؤسای جمهور و وزرای امور خارجه آمریکا، اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی، رؤسای جمهور چین، و نخست وزیران بریتانیا انجام شده است. به طور کلی آثار مرتبط با کاربرد رمزگان عملیاتی در تحلیل سیاست خارجی، به دو گروه پژوهش های کیفی و کمی تقسیم می شوند که در ادامه، ویژگی های این آثار و نمونه هایی از آن ها را بررسی کرده ایم.

۱-۱. پژوهش های کیفی

بخش مهمی از پژوهش های مرتبط با تحلیل رمزگان عملیاتی که نتیجه مطالعات نسل نخست پژوهشگران این رویکرد در تحلیل سیاست خارجی است را آثاری با رویکرد کیفی تشکیل می دهد. ویژگی بیشتر این آثار، تکیه بر روش های تفسیری و تحلیل محتوای کیفی سخنان رهبران سیاسی برای فهم باورهای اصلی



آن‌ها در مورد ماهیت جهان سیاست، پیش‌بینی آینده سیاسی، ماهیت تحولات تاریخی، و گزینش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مناسب است. ذهنی بودن، زمان‌بر بودن، و ماهیت غیرنظام‌مند تحلیل محتوای کیفی در سنجش رمزگان عملیاتی رهبران سیاسی، مهم‌ترین نقدهای است که به این گروه از پژوهش‌ها وارد است. از جمله آثار مرتبط با رویکرد کیفی در تحلیل رمزگان عملیاتی که با تکیه بر قرائت پژوهشگران اولیه این رویکرد مانند ناتان لیتس و الکساندر جرج برای دستیابی به باورهای فلسفی و ابزاری رهبران سیاسی نگاشته شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

مقاله *اوله هولستی* (۱۹۷۰) با عنوان «رویکرد رمزگان عملیاتی در مطالعه رهبران سیاسی: باورهای فلسفی و ابزاری جان فاستر دالس» در راستای شناخت باورهای سیاسی دالس، وزیر امور خارجه آمریکا نگاشته شده است. نویسنده در این مقاله، با بررسی آثار دالس درباره سیاست بین‌الملل، خاطرات، یادداشت‌های دوران کاری، زندگی‌نامه‌ها، تک‌نگاری‌ها، پرسش‌نامه، و مکاتبات با تعدادی از همکاران وی و همچنین، استفاده از رویکرد تحلیل محتوای کیفی و در پاسخ به پرسش‌های ده‌گانه الکساندر جرج، در پی شناسایی سازگاری یا ناسازگاری بین عبارات‌های کلامی و رفتار سیاسی دالس بوده است.

دیوید مک‌للان (۱۹۷۱) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد رمزگان عملیاتی به مطالعه رهبران سیاسی: باورهای فلسفی و ابزاری دین آچسن»، مفروضات فلسفی و عملی آچسن، وزیر امور خارجه آمریکا، را درباره مسائلی که در دوران مسئولیتش با آن روبه‌رو بوده، بررسی کرده است. نویسنده با استخراج چهل‌وسه باور آچسن، همخوانی بین باورهای فلسفی و ابزاری او را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که بین سخنان سیاسی آچسن و رمزگان عملیاتی وی، هماهنگی چشمگیری وجود دارد.

استفان واکر (۱۹۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط بین باورها و رفتار: رمزگان عملیاتی هنری کیسینجر و جنگ ویتنام»، رابطه بین رمزگان عملیاتی کیسینجر، وزیر امور خارجه آمریکا، و رفتار مذاکراتی وی در طول جنگ ویتنام را واکاوی کرده است. واکر با استخراج رمزگان عملیاتی به روش تحلیل کیفی از آثار و نوشته‌ها و به‌ویژه رساله تحصیلی کیسینجر، به این نتیجه رسیده است که بین این آثار و رفتار مذاکراتی وی در جنگ ویتنام براساس نظریه معمای زندانی، رابطه وجود دارد.

۱ Ole Holsti

۲ David Mclellan

۳ Stephen G. Walker

دربین آثار فارسی، حیدرعلی مسعودی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «جو بایدن و تحلیل رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی»، با استفاده از چارچوب رمزگان عملیاتی برای استخراج باورهای مرکزی جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، تحلیلی کیفی از متون مربوط به زندگی سیاسی بایدن در فاصله زمانی ۲۰۰۳-۲۰۲۰ ارائه می‌دهد. یافته اصلی نویسنده این است که ادراک‌های سیاست خارجی بایدن براساس روابط همکاری‌جویانه با متحدان آمریکا، ائتلاف‌سازی دموکراتیک در مقابل رقبای این کشور، و احیای رهبری قاعده‌محور آمریکا در عرصه جهانی با انجام اقدامات گام‌به‌گام و اولویت‌بخشی به دیپلماسی و اهمیت دادن به رضایت مردم آمریکا در حوزه سیاست خارجی بنا نهاده شده است.

۲-۱. پژوهش‌های کمی

بخش دیگری از پژوهش‌های مرتبط با چارچوب تحلیل رمزگان عملیاتی که دستاورد پژوهش‌های نسل دوم پژوهشگران این رویکرد در تحلیل سیاست خارجی است را آثاری با رویکرد کمی تشکیل می‌دهد. ویژگی بیشتر این آثار، استفاده از داده‌های آماری و روش‌های تحلیل کمی متون است که از قابلیت مقایسه و تکرارپذیری برای فهم باورهای فلسفی و ابزاری نخبگان سیاسی برخوردار است. از جمله آثار مرتبط با رویکرد کمی در تحلیل رمزگان عملیاتی که به منظور دستیابی به باورهای فلسفی و ابزاری رهبران سیاسی نگاشته شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

استفان واکر، مارک شیفر و مایکل یانگ (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «رویه‌های نظام‌مند در تحلیل رمزگان عملیاتی: سنجش و مدل‌سازی رمزگان عملیاتی جیمیکارتر» یک چارچوب جدید نمره‌دهی را برای تحلیل رمزگان عملیاتی به شیوه کمی ابداع کرده و اعتبار آنرا با سنجش و مدل‌سازی رمزگان عملیاتی جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، به آزمون گذاشته است. یافته اصلی نویسنده‌گان ایناست که دیدگاه کارتر درباره جهان سیاست و رویکرد وی به اقدامات سیاسی در طول سه سال نخست دوره ریاست جمهوری‌اش ثابت بوده است. با این حال، پس از حمله شوروی به افغانستان، تغییرات چشمگیری در دیدگاه کارتر درباره شوروی و دیگران در جهان سیاست و رویکرد وی به اقدامات سیاسی در حوزه روابط آمریکا-شوروی و مسائل دیگر به وجود آمد. جاناتان رنشنون (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «ثبات و تغییر در نظام باورها: رمزگان عملیاتی جرج دبلیو



۱ Mark Schafer and Michael D. Young

۲ Jonathan Renshon



بوش»، از داده‌های تجربی مربوط به باورهای راهبردی و عملیاتی جرج دبلیو بوش، به‌عنوان ابزاری برای بررسی مبانی نظری تغییر باورهای سیاسی وی و عوامل مؤثر بر این تغییر استفاده کرده است. نویسنده در این مقاله، سیاست خارجی بوش را به چهار دوره پیش از ریاست جمهوری، نه ماه نخست ریاست جمهوری تا پیش از رویداد یازده سپتامبر، شش ماه نخست پساز رویداد یازده سپتامبر، و سال آخر دور دوم ریاست جمهوری تقسیم کرده و نتایج به‌دست آمده در این دوره‌ها را با یکدیگر مقایسه کرده است. نویسنده در پایان بر این نظر بوده است که نتایج به‌دست آمده، ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌های پرشمار درباره نظام باورها و تصمیم‌گیری در دولت بوش، تفاسیر سنتی در این باره را به‌چالش کشیده و چشم‌اندازهایی را درباره سازوکارهای علی‌زیربنای این تغییر باورها ارائه می‌دهند.

مارک شیفر و استفان واکر (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «رهبران دموکراتیک و صلح دموکراتیک: رمزگان عملیاتی تونی بلر و بیل کلینتون»، این پرسش را مطرح کرده‌اند که «آیا باورهای رهبران در تعیین اینکه دموکراسی‌ها صلح‌آمیزترند و اینکه چرا دموکراسی‌ها هرگز با یکدیگر نمی‌جنگند، تفاوت چشمگیری ایجاد می‌کند؟» نویسندگان با مقایسه دوران نخست‌وزیری تونی بلر و ریاست جمهوری بیل کلینتون نشان داده‌اند که هر دو رهبر در مورد دموکراسی‌ها، نگرش دوستانه‌تری نسبت به غیردموکراسی‌ها داشته و برخلاف دموکراسی‌ها، به‌گونه‌ای قابل توجه، باور کمتری به همکاری با دولت‌های غیردموکراتیک داشته‌اند. نویسندگان در پایان، ضمن تأیید نظریه صلح دموکراتیک، به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار تعارض‌آمیز دولت‌های دموکراتیک در برخورد با دولت‌های غیردموکراتیک، به باورها و محاسبات رهبران آن‌ها بستگی دارد.

در بین آثار فارسی، علیرضا خسروی و شایان افراسیابی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «رخدادها و سنجش تغییر در باور رهبران؛ مطالعه موردی باراک اوباما و انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران»، با به‌کارگیری رویکرد رمزگان عملیاتی واکر، شیفر، و یانگ، تغییرات در باورهای باراک اوباما پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری ایران را در سال ۱۳۹۲ بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که باورهای فلسفی و ابزاری اوباما در مورد ایران، پس از انتخاب روحانی، به‌سوی رویکردی غیرتعارض‌آمیز تغییر جهت داده است.

در جمع‌بندی ادبیات پژوهش باید یادآور شد که مقاله حاضر از دو بُعد نسبت به آثار مشابه، به‌ویژه در زبان فارسی، نوآورانه به‌شمار می‌آید: ابتدا، استفاده از چارچوب تحلیل رمزگان عملیاتی و تأکید بر نقش نظام باورهای نخبگان سیاسی (سطح تحلیل خرد) به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده سیاست خارجی

اسرائیل در شرایط غلبه رویکردهای جریان اصلی و سطوح تحلیل ساختاری در بین آثار مشابه؛ دوم، استفاده از روش تحلیل محتوای کمی در شرایط غلبه رویکردهای کیفی و تفسیری در ادبیات تحلیل سیاست خارجی در ایران.

۲. چارچوب مفهومی و روش‌شناسی

یکی از رویکردهای نسبتاً متأخر در ادبیات تحلیل سیاست خارجی، که در دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر انقلاب شناختی در علوم اجتماعی و در واکنش به نادیده گرفتن سطح تحلیل خرد و متغیرهای سطح واحد، از جمله نقش و جایگاه کارگزار انسانی در تحلیل سیاست خارجی (به دلیل غلبه رویکردهای کلان و ساختاری) مطرح شد، رویکرد شناختی (ادراکی) است. توجه به نقش کارگزاران انسانی (رهبران)، به عنوان خردترین واحد تحلیل سیاست خارجی، به پژوهش‌های نسل نخست تحلیلگران سیاست خارجی در اواسط دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. تمرکز اصلی مطالعات در این دوره، بردرون ملت دولت‌ها و به طور مشخص، بر فرایند تصمیم‌گیری، بود. در بین نظریه‌پردازان تحلیل سیاست خارجی، هارولد و مارگارت اسپروت^۱، به عنوان پیشتازان رویکرد ادراکی در تحلیل سیاست خارجی، با توجه به زمینه و بستر تصمیم‌گیری، بر اهمیت برداشت تصمیم‌گیرنده از محیط، که از آن با عنوان محیط روانی بازیگر یاد می‌کنند، تأکید دارند. آن‌ها در حوزه تحلیل سیاست خارجی، در پی نشان دادن این موضوع هستند که فهم نتایج حاصل از سیاست خارجی، که خود مرتبط با تحلیل قابلیت‌های قدرت در نظام بین‌دولتی است، بدون توجه به اقدامات انجام شده در بستر سیاست خارجی که وابسته به راهبردها، تصمیمات، و نیت‌ها است، امکان‌پذیر نیست (Hudson & Vore, 1995, 213).

در چارچوب رویکرد ادراکی، افراد (رهبران) به عنوان کارگزاران اصلی سیاست خارجی، در برخورد با پدیده‌های بیرونی، اغلب متأثر از محیط روانی متشکل از باورها، برداشت‌ها، ارزش‌ها، عواطف، گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک، پیشینه تاریخی، و ویژگی‌های شخصیتی خود هستند؛ بنابراین، تلاش برای فهم و سنجش باورهای رهبران می‌تواند در شناخت رفتار و تصمیمات سیاست خارجی دولت‌ها، مفید و مؤثر باشد. فهم و ارزیابی باورهای رهبران به طور سنتی در علوم سیاسی، متکی به روش‌های متنوعی بوده

۱ Cognitive Revolution

۲ Cognitive Approach

۳ Harold & Margaret Sprout



است که از جمله آن‌ها می‌توان به زندگی‌نامه روانشناختی، پیچیدگی یکپارچه و مفهومی، نقشه‌های ادراکی، تحلیل ویژگی‌های رهبری^۴ و تحلیل رمزگان عملیاتی اشاره کرد. رمزگان عملیاتی، مجموعه‌ای از باورهای فلسفی و ابزاری درباره ماهیت قدرت و کاربرد آن در نظام بین‌الملل است که به ما کمک می‌کند تا بینش لازم را در مورد مبنای تصمیمات رهبران در عرصه سیاست خارجی به دست آوریم (Renshon, 2009, 649-650). در ادامه، ابتدا تحلیل رمزگان عملیاتی و مفاهیم اصلی آن را به مثابه یکی از روش‌های بافاصله در تحلیل باورهای رهبران، بررسی کرده و سپس، کاربردی آن را در تحلیل باورهای بنیامین نتانیاهو در عرصه سیاست خارجی، طی دوران تصدی نخست‌وزیری اسرائیل، توضیح خواهیم داد.

رمزگان عملیاتی، دارای پیشینه‌ای طولانی در علوم اجتماعی است. تحلیل رمزگان عملیاتی، به معنای مطالعه باورهای محوری یک فرد (رهبر) بوده و از اموری پرسش می‌کند که وی درباره اعمال قدرت در امور انسانی می‌داند، احساس می‌کند، و می‌خواهد. از آنجا که روابط قدرت در بردارنده یک رابطه اجتماعی بین خود و دیگری است، تحلیل رمزگان عملیاتی در پی شناسایی نظام باورهای یک رهبر در مورد خود و دیگران و تعاملات آن‌ها با یکدیگر است. رمزگان عملیاتی در مطالعه نظام ادراکی رهبران سیاسی، مبتنی بر این فرض است که نظام باورهای یک رهبر، خود را در استفاده از زبان نشان می‌دهد (Schafer & Walker, 2006a, 7-8). این مفهوم، نخستین بار در ادبیات تحلیل سیاست خارجی، توسط ناتان لیتس^۵ در دو اثر کلاسیک با عنوان «رمزگان عملیاتی پولیت بورو» (۱۹۵۱) و «مطالعه بولشویسم» (۱۹۵۳) با هدف تحلیل رفتار مذاکراتی شوروی و شناخت استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مورد استفاده نخبگان سیاسی بولشویک به کار گرفته شد. نگرش لیتس به تحلیل رمزگان عملیاتی، از ترکیب هم‌زمان ادراک، ویژگی‌های شخصیتی، و فرهنگ، به دست می‌آمد. با این حال، این الکساندر جرج^۶ بود که مفهوم رمزگان عملیاتی را گسترش داد و ایده‌ها و مفاهیم مطرح در چارچوب آن را تدوین کرد. جرج در واکنش به «پیچیدگی‌های غیر معمول» آثار لیتس و گذر از فرضیه‌های روان‌کاوانه وی، رمزگان عملیاتی را به عنوان پاسخ به

۱ Psychobiography

۲ Conceptual & Integrative Complexity

۳ Cognitive Maps

۴ Leadership Traits Analysis

۵ Nathan Leites

۶ Alexander L. George

مجموعه‌ای از پرسش‌ها دربارهٔ دودسته از باورهای فلسفی و ابزاری رهبران در مورد جهان سیاست، دوباره مفهوم‌پردازی کرده است. وی بر این نظر است که باورهای یک رهبر دربارهٔ ماهیت سیاست و منازعات سیاسی، دیدگاه‌های وی دربارهٔ گسترهٔ تحولات تاریخی، و فهم او از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های درست می‌تواند با گذشت زمان دچار تحول شود. این باورها با عنوان «رمزگان عملیاتی»، عواملی هستند که می‌توانند بر تصمیمات یک بازیگر تأثیرگذار باشند (George, 1969, 195-197). در طبقه‌بندی جرج، باورهای فلسفی، مفروضات بنیادین یک بازیگر دربارهٔ ماهیت جهان سیاست و امکان پیش‌بینی آیندهٔ سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین، این دسته از باورهای محوری، به تعریفی از وضعیت جاری که یک رهبر خود را درون آن می‌یابد نیز کمک می‌کنند. در مقابل، باورهای ابزاری، به آن دسته از ابزارهای قدرت مربوط می‌شوند که برای دستیابی به اهداف سیاسی انتخاب می‌شوند. باورهای ابزاری، بر اقدامات یا پاسخ‌ها متمرکز بوده و دارای بعدی راهبردی برای دستیابی به اهداف موردنظر هستند (Walker, Schafer & Young, 2003, 217-218).

الکساندر جرج برای دستیابی به باورهای بنیادین رهبران، ده پرسش فلسفی و ابزاری را طراحی کرده است که با پاسخ به آن‌ها، باورهای فلسفی و ابزاری نخبگان سیاسی و در نتیجه، رمزگان عملیاتی آن‌ها شناسایی می‌شود؛ بنابراین، درحالی‌که پاسخ به پرسش‌های فلسفی، بررسی درک یک رهبر از نقش «دیگری» که با او روبه‌رو است را امکان‌پذیر می‌کند، پرسش‌های ابزاری، درک یک رهبر از «خود» را در راستای به‌کارگیری ابزارهای بهینه به منظور دستیابی به اهداف سیاسی تحقق می‌بخشد (George, 1969, 199). جدول شماره (۱) مجموعهٔ پرسش‌های فلسفی و ابزاری طراحی شده توسط الکساندر جرج را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱). پرسش‌های ده‌گانهٔ الکساندر جرج در تحلیل رمزگان عملیاتی

پرسش‌های فلسفی
۱. ماهیت اصلی زندگی سیاسی چیست؟ آیا جهان سیاست، مبتنی بر هماهنگی است یا تعارض؟ ویژگی بنیادین مخالفان سیاسی چیست؟
۲. چه چشم‌اندازی برای تحقق نهایی آرمان‌ها و ارزش‌های بنیادین سیاسی یک فرد وجود دارد؟ آیا باید به این فرصت‌ها خوش بین بود یا بدبین و از چه ابعادی باید یکی را بر دیگری ترجیح داد؟
۳. آیا آیندهٔ سیاسی از قابلیت پیش‌بینی برخوردار است؟ به چه معنا و تا چه اندازه؟
۴. فرد چقدر می‌تواند بر تحول تاریخی، کنترل یا تسلط داشته باشد؟ نقش فرد در تحرك و شکل‌دهی به تاریخ در مسیر موردنظرش چیست؟
۵. نقش شانس در امور انسانی و تحولات تاریخی چیست؟
پرسش‌های ابزاری
الف. بهترین رویکرد برای گزینش اهداف در راستای اقدام سیاسی چیست؟



۳۹۳

تحلیل رمزگان عملیاتی
ننانهاو در عرصهٔ سیاست
خارجی

الف ۲. چگونه اهداف عملی به شکل مؤثرتری دنبال می‌شوند؟
الف ۳. چگونه خطرات (ریسک) اقدام سیاسی محاسبه، کنترل، و پذیرفته می‌شود؟
الف ۴. بهترین «زمان بندی» برای اقدام به منظور پیشبرد منافع فردی چیست؟
الف ۵. سودمندی و نقش ابزارهای گوناگون برای پیشبرد منافع فردی چیست؟

Source: George, 1969

تحلیل رمزگان عملیاتی، به ویژه در آثار نسل اولیه پژوهشگران این رویکرد، مانند لیتس و جرج، سبب ارائه تحلیل‌های عمیقی از نقش و جایگاه باورهای رهبران در فرایند شکل‌دهی به تصمیمات سیاست خارجی شده است. روش‌شناسی مورد استفاده این گروه از پژوهشگران، مبتنی بر بازبینی ذهنی و تفسیری متون بوده است. بسیاری از پژوهش‌های مربوط به رمزگان عملیاتی که پس از لیتس انجام شده‌اند نیز از روش‌شناسی تفسیری وی پیروی کرده‌اند (Walker, 1977; Mclellan, 1971; Holsti, 1970). تمرکز این روش‌شناسی تفسیری بیشتر بر مطالعه عمیق آثار و نوشته‌ها، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، و مصاحبه با دوستان و همکاران سوژه مورد مطالعه و در موارد نادری، مصاحبه مستقیم با رهبران سیاسی به منظور یافتن شواهدی در راستای پاسخ به پرسش‌های ده‌گانه جرج و استخراج باورهای فلسفی و ابزاری آن‌ها بوده است. این نوع تحلیل تفسیری، دچار کاستی‌های خاص خود است. از جمله ضعف‌های این روش بازبینی ذهنی و تفسیر متون می‌توان به زمان‌بر بودن به دلیل گستردگی منابع موجود، دشواری در تعیین اعتبار به دلیل عدم تکرارپذیری این فرایند در دستیابی به نتایج مشابه و همچنین، دشواری مقایسه نتایج تحلیل‌های گوناگون مبتنی بر رمزگان عملیاتی، اشاره کرد (Young & Schafer, 1998, 71).

۱-۲. روش VICS در تحلیل رمزگان عملیاتی

در پاسخ به مشکلات روش بازبینی ذهنی و تفسیر متون در پژوهش‌های کلاسیک رمزگان عملیاتی، سه تن از پژوهشگران رویکرد ادراکی به نام‌های استفان واکر، مارک شیفر و مایکل یانگ، نسخه روزآمدی از تحلیل رمزگان عملیاتی ارائه داده‌اند که امکان انجام تحلیل‌های کمی، قابل مقایسه، و تجدیدپذیر را فراهم می‌کرد. این نسخه جدید موسوم به «افعال در نظام متن» در راستای شناسایی باورهای عملیاتی و پیش‌بینی استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها، و اقدامات احتمالی رهبران سیاسی با تمرکز بر سخنان آن‌ها طراحی شده است (Walker, Schafer & Young, 1998). از آنجا که دسترسی مستقیم پژوهشگران به رهبران سیاسی، به منظور انجام مصاحبه‌های عمیق روانشناختی بر اساس روش‌های تحلیل شخصیت با هدف شناخت سبک رهبری و



۳۹۴

پژوهش‌نامه ایرانی

سیاست بین‌الملل،

سال ۱۲، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان

۱۴۰۲

ویژگی‌های فردی آنان (که خود بر نحوه تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی تأثیرگذار است) مقدور نبوده و رهبران، وقت و تحمل چنین رویه‌هایی را نداشته و به شکل ذاتی در مورد علنی شدن این نتایج و پیامدهای سیاسی آن نیز محتاط هستند. در چنین شرایطی می‌توان از روش‌های بلافاصله استفاده کرد. تمرکز بر گفته‌های رهبران و تحلیل محتوای واژگانی که آن‌ها به کار می‌برند، یکی از راه‌های ارزیابی وضعیت رهبران به شکل نظام‌مند و بدون نیاز به دسترسی مستقیم به آن‌ها است. در این چارچوب، فرض بر این است که کلماتی که افراد بر زبان می‌رانند، زاینده افکار آن‌ها است و افکار آن‌ها به نحوه رفتارشان شکل می‌دهد (Suedfeld, Guttieri & Tetlock, 2003, 246).

روش افعال در نظام متن به عنوان یکی از روش‌های بلافاصله در شرایط عدم دسترسی مستقیم به رهبران سیاسی، بر افعال موجود در داده‌های گفتاری آن‌ها، شامل سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، و صحبت‌های عمومی رهبران متمرکز است؛ زیرا افعال، بازنمایی زبانی روابط قدرت هستند (Schafer, 2000, 520). فرض اصلی این روش این است که از سخنان شفاهی یک سوژه (رهبر) می‌توان برای ارزیابی ویژگی‌های ادراکی وی بهره برد. هدف طراحان این روش، ارائه یک چارچوب تحلیل محتوای کمی برای تحلیل داده‌های کلامی رهبران بوده است که به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که باورهای ادراکی رهبران را در قالب یک کد عملیاتی ارزیابی کنند (Schafer & Walker, 2006a, 566). این روش، کار خود را با استخراج ساخت‌های فعلی از متون آغاز می‌کند. به این ترتیب که در مرحله نخست، هر عبارت (جمله دارای فعل)، کدگذاری شده و مشخص می‌شود که آیا فعل جمله، متعدی است یا لازم؛ در مرحله دوم، در صورتی که فعل جمله متعدی بود، جهت آن فعل، از این نظر که همکاری جویانه (+) است یا تعارض آمیز (-)، کدگذاری می‌شود. در مرحله سوم، شدت افعال از این نظر که آیا افعال، اعلانی هستند یا اعمالی، رمزنگاری می‌شود. افعال اعلانی، به افعالی گفته می‌شود که نشان‌دهنده تهدید به استفاده از قدرت هستند (مانند کلمه «هشدار»). در مقابل، افعال اعمالی به افعالی گفته می‌شود که استفاده واقعی از قدرت را نشان می‌دهند (مانند کلمه «حمله»). افعال مثبت اعمالی با عنوان پاداش (+۳) و افعال منفی اعمالی با عنوان مجازات (-۳)، افعال مثبت



۱ At a Distance Technique

۲ Utterance

۳ Words

۴ Deeds



اعلانی در قالب وعده (+۲) استعدا/حمایت (+۱) و افعال منفی اعلانی در قالب تهدید (-۲) یا مخالفت/مقاومت (-۱) کدگذاری می‌شوند. سرانجام، در مرحله چهارم، نسبت افعال از این نظر که به «خود» ارجاع می‌شوند (باورابزاری) یا به «دیگری» (باور فلسفی) کدگذاری می‌شوند. چنانچه افعالی با هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های چهارگانه یادشده تطابق نداشته باشند، به‌عنوان افعال خنثی کنار گذاشته می‌شوند (Walker, Schafer & Young, 2003, 224).

ساخت‌های افعالی در روش افعال در نظام متن برپایه این چهار بعد، در شاخص‌هایی گردآوری می‌شوند که به پرسش‌های ده‌گانه الکساندر جرج برای تحلیل رمزگان عملیاتی پاسخ می‌دهند. نمره‌های مربوط به باورهای فلسفی و ابزاری اول و دوم (ف-۱، ف-۲، الف-۱، الف-۲) بین منفی یک (خصمانه/بدبین) و مثبت یک (دوستانه/خوش‌بین) و نمره‌های مربوط به سایر باورهای فلسفی و ابزاری، بین صفر و یک در نوسان است (Willigen & Bakker, 2021, pp. 222-223).

داده‌های کمی‌ای که این الگوی جدید و بهبودیافته از رمزگان عملیاتی ارائه می‌دهد، افزون‌بر تسهیل مقایسه بین رمزگان عملیاتی رهبران مختلف، امکان کاوش در روابط بین رمزگان عملیاتی بازیگران سیاسی و رفتار سیاسی آن‌ها را افزایش داده و می‌توان از این روش برای مطالعه بیش از یک رهبر در یک زمان استفاده کرد. با این حال، یکی از ضعف‌های اساسی این نسخه جدید از رمزگان عملیاتی، فقدان غنای توصیفی مرتبط با رویکردهای کیفی در آن است (Young & Schafer, 1998, 72).

۱-۱-۲. شاخص‌های روش VICS در تحلیل رمزگان عملیاتی

ف-۱. ماهیت جهان سیاست: این شاخص، باورهای یک رهبر درباره تعریف رویکرد و اهداف بازیگران دیگر را توضیح می‌دهد. در واقع، فرض بر این است که دیدگاه‌های یک رهبر درباره سیاست‌ها و اقدامات بازیگران دیگر، بازتاب‌دهنده باورهای وی درباره سیاست، منازعه سیاسی، و ماهیت بازیگران دیگر است. این شاخص از تفریق درصد افعال مثبت از درصد افعال منفی منتسب به دیگران در یک کنش گفتاری (سخنرانی) در بازه‌ای بین ۱- (نگرش خصمانه) تا ۱+ (نگرش دوستانه) در مورد ماهیت جهان سیاست به دست می‌آید. فرض بر این است که هنگامی که یک رهبر، نگرشی همکاری‌جویانه به ماهیت جهان سیاست دارد، نسبت‌های همکاری‌جویانه (مثبت) به دیگران در گفتارش بالاتر خواهد بود و برعکس (Schafer & Walker, 2006b, 33).

ف-۲. چشم‌انداز تحقق ارزش‌های سیاسی: این شاخص، تحت تأثیر باور نخست فلسفی، یعنی ماهیت جهان سیاست است. رهبرانی که نگرشی بیشتر دوستانه و مثبت به ماهیت جهان سیاست دارند، به تحقق ارزش‌های سیاسی (ف-۲) نیز خوش‌بین بوده و در مقابل، رهبرانی که نگرشی خصمانه به ماهیت جهان سیاست دارند، به تحقق ارزش‌های سیاسی بدبین هستند. خوش‌بینی یا بدبینی یک رهبر در مورد شاخص تحقق ارزش‌های سیاسی (ف-۲)، مبتنی بر باورهای وی دربارهٔ تداوم تعارض (موقتی یا دائمی) در جهان سیاست است. در واقع، فرض بر این است که هر چه تشخیص یک رهبر در مورد تحقق ارزش‌های سیاسی، خوش‌بینانه‌تر باشد، شدت افعال منتسب به دیگران در جهان سیاست، کمتر منفی و بیشتر مثبت خواهد بود. این شاخص از طریق محاسبهٔ وزن هر فعل منتسب به دیگری (با توجه به شدت آن فعل در مقیاسی بین ۳- تا ۳+) و تقسیم نتایج بر تعداد کل افعال منتسب به دیگران محاسبه می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نیز در مقیاسی بین ۱- (بدبینانه) تا ۱+ (خوش‌بینانه) متغیر است. به بیان روشن‌تر، خوش‌بینی دربارهٔ تحقق ارزش‌های سیاسی با میانگین شدت افعال مثبت منتسب به دیگران و بدبینی در مورد تحقق ارزش‌های سیاسی با میانگین شدت افعال منفی منتسب به دیگران، مرتبط است (Walker, Schafer & Young, 1998, 178).

ف-۳. قابلیت پیش‌بینی آینده سیاسی: این شاخص، ثبات دیدگاه فرد و قابلیت پیش‌بینی اقدامات دیگران را بررسی و سنجش می‌کند. شاخص ف-۳ با استفاده از یک معیار پراکندگیبا عنوان «شاخص تنوع کیفی» از توزیع مشاهدات پیشش دسته افعال منتسب به دیگران محاسبه می‌شود. در اینجا فرض بر این است که هر چه تنوع افعال منتسب به دیگران، اعم از افعال مثبت و منفی بیشتر باشد، پیش‌بینی‌پذیری کنش‌های سیاسی دیگران کمتر خواهد بود. چنانچه فرد، همهٔ اعمال دیگران را در یک دسته‌بندی (مثبت یا منفی) قرار دهد، پیش‌بینی‌پذیری کنش‌های سیاسی دیگران در بالاترین سطح خواهد بود. این شاخص با کسر شاخص تنوع کیفی از ۱، محاسبه شده و نمره‌هایی به‌دست‌آمده در طیفی بین ۰ و ۱ متغیر است. نمره‌های پایین‌تر، نشان‌دهندهٔ قابلیت پیش‌بینی کمتر و نمره‌های بالاتر، نشان‌دهندهٔ قابلیت پیش‌بینی بیشتر در جهان سیاست خواهد بود (Walker, Schafer & Young, 1998, 179).

ف-۴. تسلط بر تحولات تاریخی: تسلط بر تحولات تاریخی، تنها شاخص فلسفی است که عبارت‌هایی را دربر می‌گیرد که فرد هم در مورد خودش و هم در مورد دیگری از آن بهره می‌گیرد. در اینجا دیدگاه فرد

۱ Index of Qualitative Variation (IQV)



درباره اینکه چقدر خود یا دیگری را در کنترل تحولات تاریخی یا نتایج سیاسی دخیل می‌داند، ارزیابی می‌شود. در این شاخص، اگر فرد (رهبر) کلمات و اعمال بیشتری را به دیگران نسبت دهد، کنترل تحولات و نتایج سیاسی را در دست دیگران می‌بیند. در مقابل، هرچه کنترل فرد بر نتایج سیاسی و تحولات تاریخی بیشتر باشد، نسبت کلمات و اعمالی که به خود نسبت می‌دهد، بیشتر خواهد بود. محاسبه شاخص (ف-۴) با تقسیم تعداد کل افعال منتسب به خود بر مجموع افعال منتسب به خود و دیگری به دست می‌آید. نتایج به دست آمده در مقیاسی بین «۰» (به معنای تسلط دیگران بر تحولات تاریخی و نتایج سیاسی) و «۱» (به معنای تسلط خود فرد بر تحولات و نتایج سیاسی) در نوسان است (Walker, Schafer & Young, 1998, 179).

ف-۵. نقش شانس: پاسخ به پنجمین پرسش فلسفی، یعنی نقش شانس در تحولات و نتایج سیاسی، به لحاظ منطقی، تابع پاسخ به سومین و چهارمین پرسش فلسفی است؛ به این معنا که هرچه جهان سیاست، پیش‌بینی پذیرتر باشد و کنترل فرد بر تحولات و نتایج سیاسی بیشتر باشد، باور فرد به نقش شانس در تحولات و نتایج سیاسی، کمتر خواهد بود. در مقابل، هرچه قابلیت پیش‌بینی آینده سیاسی از سوی فرد، کمتر باشد و فرد، کنترل کمتری بر تحولات تاریخی و نتایج سیاسی داشته باشد، باور وی به نقش شانس بیشتر خواهد بود. نحوه محاسبه شاخص ف-۵، عبارت است از یک، منهای حاصل ضرب شاخص پیش‌بینی پذیری (ف-۳)، ضرب در شاخص کنترل بر تحولات (ف-۴). نتایج به دست آمده در مقیاسی بین «۰» (به معنای کمترین باور به نقش شانس) و «۱» (به معنای بیشترین باور به نقش شانس) متغیر است (Schafer & Walker, 2006b, 35).

الف-۱. جهت گیری استراتژیک: انتساب افعال مثبت (همکاری جویانه) یا منفی (معارضه جویانه) از سوی فرد به خود، نشان‌دهنده پاسخ نخستین پرسش ابزاری، یعنی رویکرد راهبردی به اهداف سیاسی (الف-۱)، است. این شاخص با بررسی موازنه کلی عبارات‌های همکاری جویانه و معارضه جویانه، هم‌راستا با پرسش نخست فلسفی (ف-۱) است؛ با این تفاوت که این شاخص، عبارتهایی که موضوع آن خود یا گروه خود رهبر باشد را گردآوری می‌کند. فرض بر این است که هرچه فراوانی انتساب افعال مثبت فرد به خود بیشتر باشد، رویکرد راهبردی رهبر به اهداف سیاسی، بیشتر همکاری جویانه خواهد بود و برعکس. این استدلال مشخص نمی‌کند که فرد، چه اهدافی را و چگونه انتخاب می‌کند؛ با این حال، مسیر راهبردی‌ای که یک رهبر برای نزدیک شدن به آن‌ها در پیش می‌گیرد را مشخص می‌کند. نحوه محاسبه شاخص الف-۱، عبارت است از: تفریق درصد عبارات‌های همکاری جویانه (مثبت) از عبارات‌های معارضه جویانه (منفی) و تقسیم نتیجه بر تعداد کل عبارات‌های منتسب به خود. نتایج به دست آمده، در

مقیاسی بین ۱- تا ۱+ متغیر است. نمره پایین‌تر، نشان‌دهنده این است که سوژه (رهبر) در استراتژی مطلوب موردنظر خود، به اقدامات معارضه‌جویانه، وزن بیشتری داده و نمره بالاتر در این شاخص، نشان‌دهنده وزن بیشتری است که رهبر به اقدامات همکاری‌جویانه در استراتژی مطلوب موردنظرش می‌دهد (Schafer & Walker, 2006b, 35).

الف-۲. شدت تاکتیک‌ها: شدت در تعقیب یک استراتژی، نشان‌دهنده نوع پاسخ به دومین پرسش ابزاری (الف-۲) است. این شاخص، نشان‌دهنده تاکتیک‌هایی است که رهبران به واسطه آن‌ها می‌توانند اهداف و مقاصد خود را به گونه‌ای مؤثر دنبال کنند. درحالی‌که استراتژی، به جهت‌گیری رویکرد رهبر به سوی اهداف سیاسی اشاره دارد، تاکتیک‌ها، پیش از هر چیز، به شدت پیگیری استراتژی موردنظر توسط یک رهبر می‌پردازد. شاخص الف-۲ با بررسی موازنه کلی عبارت‌های همکاری‌جویانه و معارضه‌جویانه، همسو با پرسش دوم فلسفی (ف-۲) بوده و با توزین افعال شش‌گانه (مجازات (۳-)-، تهدید (۲-)، مخالفت (۱-)، حمایت (۱+)، تعهد (۲+)، و پاداش (۳+)) مورد استفاده رهبر درباره خودش و سپس، تقسیم نتیجه بر ۳ در مقیاسی بین ۱- تا ۱+ محاسبه می‌شود. نمره‌های پایین‌تر، نشان‌دهنده سودمندی بهره‌بردن از تاکتیک‌های معارضه‌جویانه و نمره‌های بالاتر، نشان‌دهنده سودمندی استفاده از تاکتیک‌های همکاری‌جویانه از سوی رهبر است (Schafer & Walker, 2006b, 35-36).

الف-۳. تمایل به خطر کردن: تنوع در انواع اعمال منتسب به خود در چندین دسته‌بندی، نشان‌دهنده پاسخ به سومین پرسش ابزاری درباره رویکرد رهبر به محاسبه، کنترل، و پذیرش مخاطرات اقدامات سیاسی (الف-۳) است. مخاطرات، به معنای پیامدهای نامطلوب اقدامات همکاری‌جویانه و معارضه‌جویانه، خطر تسلیم‌همراه با یک اقدام همکاری‌جویانه در تعقیب یک توافق و خطر بن‌بسته‌همراه با یک اقدام معارضه‌جویانه در تعقیب سلطه. این استدلال مبتنی بر مفاهیم ریسک‌پذیری و ریسک‌گریزی در مورد نتایج گوناگون سیاسی است. شاخص تمایل به خطر کردن (الف-۳) هم‌راستا با سومین پرسش فلسفی (ف-۳) با کسر شاخص تنوع کیفی از «۱» محاسبه شده و نمره‌هایی به دست آمده در طیفی بین «۰» و «۱» متغیر خواهد بود. نمره‌های پایین‌تر، نشان‌دهنده ریسک‌پذیری پایین و نمره‌های بالاتر، نشانه ریسک‌پذیری بالای سوژه است (Walker, Schafer and Young, 1998, 180).

۱ Risk Aversion

۲ IQV



۳۹۹

تحلیل رمزگان عملیاتی
نناهاهو در عرصه سیاست
خارجی



الف-۴. زمان بندی اقدام: چهارمین باور ابزاری به زمان بندی اقدامات فرد مربوط می‌شود. این باور در ادامه باور پیشین (الف-۳)، به طور خاص بر انعطاف پذیری تاکتیک‌های به کار گرفته شده توسط «خود» تمرکز داشته و نشانه میزان انعطاف پذیری فرد (رهبر) در جهت گیری‌های سیاسی و گزینش تاکتیک‌های مناسب همکاری-تعارض و اعلانی-اعمالی است. شاخص الف-۴ (۱) تنوع انتخاب‌های رهبر را به لحاظ اقدامات همکاری جویانه و معارضه جویانه بررسی می‌کند و شاخص الف-۴ (۲) تنوع اقدامات رهبر را به لحاظ توزیع اعلانی و اعمالی می‌سنجد. نحوه محاسبه شاخص الف-۴ (۱) عبارت است از «۱» منهای قدر مطلق درصد عبارت‌های همکاری جویانه منهای درصد عبارت‌های معارضه جویانه و محاسبه شاخص الف-۴ (۲) عبارت است از یک منهای درصد عبارت‌های اعلانی، منهای درصد عبارت‌های اعمالی. نتایج هر دو شاخص در طیفی بین «۰» و «۱» متغیر بوده و نمره‌های بیشتر، نشان دهنده انعطاف پذیری بالا و نمره‌های کمتر، نشانه انعطاف پذیری پایین سوژه است (Walker, Schafer and Young, 1998, 181).

الف-۵. مطلوبیت ابزارها: شاخص پنجم ابزاری، چگونگی درک یک رهبر را درباره ارزش به کارگیری تاکتیک‌های گوناگون در استفاده از قدرت سیاسی می‌سنجد. برای عملیاتی کردن این باور ابزاری، از شش شاخص گوناگون (مجازات، تهدید، مخالفت، حمایت، تعهد، پاداش) استفاده می‌شود که به نوعی بازتاب افعال شش گانه در روش افعال در نظام متن (VICS) است. برای محاسبه هریک از این شاخص‌ها، مجموع عبارت‌هایی که در قالب هریک از این شاخص‌های شش گانه کدگذاری شده است را تقسیم بر مجموع عبارت‌های به کار رفته از سوی فرد درباره «خودش» می‌کنیم. نتایج به دست آمده در مقیاسی بین «۰» و «۱» محاسبه می‌شوند. نمره‌های بالاتر، به معنای سودمندی بیشتر و نمره‌های پایین‌تر، به معنای سودمندی کمتر در استفاده از هریک از تاکتیک‌های شش گانه در اعمال قدرت است (Schafer & Walker, 2006b, 37).

۳. داده‌های پژوهش

در این مقاله، از گفته‌های شفاهی و سخنرانی‌های عمومی بنیامین نتانیاهو به منظور سنجش رمزگان عملیاتی وی استفاده شده است. داده‌های مورد استفاده، از متون مربوط به سیزده سخنرانی رسمی بنیامین نتانیاهو در مجامع داخلی و بین‌المللی در طول کابینه‌های دوم، سوم، و چهارم به رهبری وی در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۹ تشکیل شده است. همه داده‌های گفتاری (سخنرانی‌ها) مورد بررسی در این مقاله، از وبسایت

۱. داده‌های مربوط به کابینه نخست نتانیاهو در مقطع زمانی ۱۹۹۹-۱۹۹۶ به دلیل فاصله زمانی ده ساله با کابینه دوم تا چهارم وی از شمول بررسی کنار گذاشته شدند.

وزارت امور خارجه اسرائيل، به عنوان نهاد رسمي روابط خارجي اين رژيم، به شكل تصادفي، انتخاب شده اند. در گزينش داده هاي موردبرسي، تنها آن گروه از سخنراني هايي انتخاب شدند كه در اصل، به زبان انگليسي ارائه شده اند. به بيان روشن تر، از سخنراني هاي ترجمه شده از عبري به انگليسي استفاده نكرده ايم. معيار اصلي براي انتخاب هر سخنراني، دارا بودن دست كم ۱۵۰۰ كلمه و تمرکز بر موضوع سياست خارجي بوده است. جدول شماره (۲) داده هاي مورداستفاده در تحليل رمزگان عملياتي بنيامين نتانياهو را به تفكيك كابينه هاي تحت رهبري وي در بازه زماني ۲۰۱۹-۲۰۰۹ نشان مي دهد.

جدول شماره (۲). متون مورداستفاده براي استخراج رمزگان عملياتي بنيامين نتانياهو

ردیف	عنوان	تاریخ	دوره تصدی
۱	سخنرانی در کنفرانس سران سازمان های یهودی آمریکا	۱۷ فوریه ۲۰۱۰	کابینه دوم نتانياهو (مارس ۲۰۰۹-مارس ۲۰۱۳)
۲	سخنرانی در کمیته عمومی آمریکا اسرائیل (ایپک)	۵ مارس ۲۰۱۲	
۳	سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲	
۴	سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۱۱ اکتبر ۲۰۱۳	کابینه سوم نتانياهو (مارس ۲۰۱۳-مه ۲۰۱۵)
۵	سخنرانی در فدراسیون یهودیان آمریکای شمالی	۱۰ نوامبر ۲۰۱۳	
۶	سخنرانی در مجمع سابان ^۲	۸ دسامبر ۲۰۱۳	
۷	سخنرانی در کنفرانس سران سازمان های یهودی آمریکا	۱۷ فوریه ۲۰۱۴	
۸	سخنرانی در کمیته عمومی آمریکا اسرائیل (ایپک)	۴ مارس ۲۰۱۴	
۹	سخنرانی در کنگره آمریکا	۳ مارس ۲۰۱۵	
۱۰	سخنرانی در کنفرانس هرزلیا ^۳	۹ ژوئن ۲۰۱۵	
۱۱	سخنرانی در فدراسیون یهودیان آمریکای شمالی	۴ اوت ۲۰۱۵	کابینه چهارم نتانياهو (مه ۲۰۱۵-آوریل ۲۰۱۹)
۱۲	سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۱ اکتبر ۲۰۱۵	
۱۳	سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸	

۴. تحلیل داده های پژوهش

پس از انتخاب سخنرانی ها، داده های خام به منظور دستیابی به رمزگان عملياتي بنيامين نتانياهو به نرم افزار تحليل محتوای خود کار Profiler+ (نسخه 7.3.18) منتقل و کد گذاری شد. این نرم افزار آنلاین، که به منظور تحلیل کمی متون در علوم اجتماعی و رفتاری توسط طراحان نظریه تحلیل رمزگان عملياتي و

^۱ AIPAC

^۲ Saban Forum

^۳ Herzlyia Conference



روش افعال در نظام متن (یانگ و شیفر) در قالب "Social Science Automation" طراحی شده است، عبارت‌ها (جمله‌های دارای فعل) را از سخنان عمومی رهبران، استخراج و با کمک یک فرهنگ لغت رمزگان عملیاتی، بر مبنای ارزش‌های «مثبت و منفی» و در مورد «خود و دیگری» محاسبه می‌کند. مارک شیفر، یکی از مبتکران روش افعال در نظام متن به منظور محاسبه رمزگان عملیاتی، یک صفحه گسترده اکسل طراحی کرده است که می‌توان از آن به منظور محاسبه هر باور در رمزگان عملیاتی استفاده کرد. در نتیجه، عبارت‌های فعلی به دست آمده از نرم افزار Profiler+ (جدول شماره ۳) را در دسته‌های مربوط به خود و دیگری در این برنامه اکسل وارد کردیم. این برنامه، در بردارنده فرمول‌هایی است که در شاخص‌های افعال در نظام متن (VICS) به منظور ایجاد داده‌های کمی برای هر پرسش فلسفی و ابزاری به کار می‌رود. برای محاسبه نمره‌های نتایهو در قالب باورهای ده گانه فلسفی و ابزاری، مجموعه سیزده سخنرانی وی را بر اساس تاریخ ارائه آن‌ها، به سه کابینه تحت رهبری نتایهو در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ تقسیم کرده و میانگین نمره‌های هر کابینه را به صورت جداگانه محاسبه کردیم تا امکان مقایسه این سه دوره با یکدیگر فراهم شده و سطح ثبات و تغییرات در باورهای نخست وزیر اسرائیل و رمزگان عملیاتی وی در طول زمان مشخص شود.

جدول شماره (۳). عبارت‌های فعلی برگرفته از سخنرانی‌های نتایهو بر اساس مرجع انتساب

کابینه چهارم تعداد واژگان: ۱۲۸۶۱		کابینه سوم تعداد واژگان: ۲۱۲۱۲		کابینه دوم تعداد واژگان: ۹۹۶۱		عبارت‌های فعلی
خود	دیگری	خود	دیگری	خود	دیگری	
۱۳	۱۰۲	۱۶۵	۹	۵	۸۳	مجازات
۵	۳۱	۱۹	۲	۲	۸	تهدید
۲۱	۵۹	۱۰۷	۲۴	۸	۴۳	مخالفت/ مقاومت
۴۹	۱۰۸	۲۲۴	۸۳	۳۹	۱۰۷	استدعا/ حمایت
۲	۲۲	۳۵	۹	۳	۱۲	تعهد
۱۳	۶۴	۱۴۷	۲۹	۱۲	۵۹	پاداش

۵. یافته‌های پژوهش

میانگین نتایج به دست آمده از تحلیل رمزگان عملیاتی نتایهو، به تفکیک کابینه‌های تحت رهبری وی در

فاصله سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۹ در جدول شماره (۴) آمده است. این نتایج، میزان ثبات یا تغییر در باورها و رمزگان عملیاتی نتانیاها را در کابینه دوم (۲۰۱۳-۲۰۰۹)، کابینه سوم (۲۰۱۵-۲۰۱۳) و کابینه چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵) به رهبری وی نشان می‌دهد. افزون‌براین، یکی از کاربردهای روش‌های تحلیل محتوای کمی، از جمله تحلیل رمزگان عملیاتی و به‌ویژه الگوی افعال در نظام متن، فراهم بودن امکان مقایسه نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رمزگان عملیاتی یک رهبر خاص در برابر داده‌های گروه‌های مرجعی است که پیش از آن ساخته شده است. در همین راستا، نمره‌های به‌دست‌آمده از تحلیل رمزگان عملیاتی نتانیاها با داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی گروه مرجع (شامل میانگین رمزگان عملیاتی ۱۳۰ تن از رهبران جهان) مقایسه شده است. در ادامه به شرح نتایج و یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی رمزگان عملیاتی نتانیاها می‌پردازیم.

جدول شماره (۴). رمزگان عملیاتی نتانیاها در مقایسه با میانگین رهبران جهان

انحراف استاندارد	میانگین ۱۳۰ رهبر جهان*	کابینه چهارم (۴) (سخنرانی)	کابینه سوم (۶) (سخنرانی)	کابینه دوم (۳) (سخنرانی)	باورهای فلسفی و ابزاری
۰,۱۲	۰,۳۴	۰,۰۵*	۰,۱۶	۰,۱۴	ف-۱. ماهیت جهان سیاست
۰,۰۸	۰,۱۶	-۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۰۰	ف-۲. تحقق ارزش‌های سیاسی
۰,۰۲	۰,۱۲	۰,۰۸	۰,۰۹	۰,۱۰	ف-۳. پیش‌بینی آینده سیاسی
۰,۰۷	۰,۱۹	۰,۱۸	۰,۱۹	۰,۲۲	ف-۴. تسلط بر تحولات تاریخی
۰,۰۱	۰,۹۷	۰,۹۸	۰,۹۸	۰,۹۸	ف-۵. نقش شانس
۰,۱۶	۰,۵۳	۰,۱۹	۰,۵۷	۰,۵۶	الف-۱. استراتژی مطلوب
۰,۰۹	۰,۲۳	۰,۰۶	۰,۳۱	۰,۲۶	الف-۲. تاکتیک مناسب
۰,۱۰	۰,۲۴	۰,۲۲	۰,۲۳	۰,۲۷	الف-۳. تمایل به خطر کردن
۰,۱۶	۰,۴۶	۰,۷۱	۰,۴۳	۰,۴۴	الف-۴(۱). زمان‌بندی در اقدام (همکاری و تعارض)
۰,۱۳	۰,۵۵	۰,۵۰	۰,۵۰	۰,۴۹	الف-۴(۲). زمان‌بندی در اقدام (اعلانی و اعمالی)
۰,۰۶	۰,۱۸	۰,۱۳	۰,۲۰	۰,۱۷	الف-۵. مطلوبیت ابزار (پاداش)
۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۰۷	۰,۰۴	الف-۵. مطلوبیت ابزار (تعهد)
۰,۱۰	۰,۵۴	۰,۴۶	۰,۵۲	۰,۵۶	الف-۵. مطلوبیت ابزار (استدعا/حمایت)

۰,۰۴	۰,۱۰	۰,۲۴	۰,۱۶	۰,۱۲	الف-۵. مطلوبیت ابزار (مخالفت/مقاومت)
۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۱	۰,۰۳	الف-۵. مطلوبیت ابزار (تهدید)
۰,۰۴	۰,۰۹	۰,۱۳	۰,۰۵	۰,۰۷	الف-۵. مطلوبیت ابزار (مجازات)

* داده‌های مربوط به گروه مرجع رهبران جهان در تماس شخصی نگارنده با پروفسور مارک شیفر، استاد دپارتمان روابط بین‌الملل دانشگاه فلوریدای مرکزی از ایشان دریافت شد. ** نتایج بولد (پررنگ) تغییرات عمده در رمزگان عملیاتی نتایهاو در طول زمان را نشان می‌دهد.

۱-۵. رمزگان عملیاتی نتایهاو در دوران کابینه دوم (۲۰۱۳-۲۰۰۹)

نتایج به دست آمده از بررسی باورهای فلسفی و ابزاری نتایهاو در کابینه دوم به رهبری وی، نشان می‌دهد که باور او درباره ماهیت جهان سیاست (ف-۱) در مقایسه با میانگین رهبران جهان (۰/۳۴) کمتر دوستانه^۱ (۰/۱۴) بوده است. این به این معنا است که نتایهاو به محیط سیاسی پیرامون، مخالفان، و بازیگران سیاسی دیگر، تنها تاحدی هماهنگ و دوستانه می‌نگرد. نتایهاو در این دوره درباره تحقق آرمان‌ها و اهداف سیاسی (ف-۲) نیز در مقایسه با میانگین رهبران جهان (۰/۱۶) باوری آمیخته از خوش بینی و بدبینی (۰/۰۰) داشته است. با توجه به اینکه پرسش فلسفی نخست، یک باور اصلی به شمار آمده و بر مبنای شاخص‌های روش افعال در نظام متن، بر باور دوم فلسفی تأثیر گذار است، نتایهاو را نمی‌توان در این دوره، فردی خوش بین به تحقق اهداف و آرمان‌های سیاسی به شمار آورد. در ادامه، نتایهاو در پیش بینی آینده سیاسی (ف-۳) (سومین پرسش فلسفی) از قابلیت بسیار کمی (۰/۱۰) برخوردار بوده است؛ به این معنا که وی مخالفان سیاسی و سایر بازیگران در جهان سیاست را در انواع مختلفی از اقدامات مثبت (دوستانه) یا منفی (خصمانه) دخیل دانسته و این امر سبب شده است که از قابلیت بسیار کمی در پیش بینی اقدامات دیگران و آینده سیاسی برخوردار باشد. در مورد چهارمین پرسش فلسفی، یعنی تسلط بر تحولات تاریخی و نتایج سیاسی (ف-۴)، نتایهاو از تسلط کمی (۰/۲۲) در این باور برخوردار بوده است. این شاخص، نشان دهنده باوراندک نتایهاو به تسلط بر تحولات تاریخی و ابتکار عمل در محیط سیاسی بوده و به همین نسبت به کنترل تحولات تاریخی و نتایج سیاسی توسط مخالفان و بازیگران سیاسی دیگر، باور داشته است. سرانجام، پاسخ به پنجمین پرسش فلسفی، یعنی نقش شانس در تحولات تاریخی (ف-۵)، تابع پاسخ به باورهای سوم و چهارم فلسفی است؛ به این معنا که اگر رهبر تصور کند که بر تحولات تاریخی (ف-۴) و



^۱ Somewhat Friendly

^۲ Master Belief

قابلیت پیش‌بینی آینده سیاسی (ف-۳) تسلط ندارد (در مورد نتایج چینی است)، باور زیادی به نقش شانس در تحولات تاریخی خواهد داشت. نتایج به‌دست آمده از بررسی پنجمین پرسش فلسفی نیز بیانگر این است که نتایج، باور بسیار زیادی (۰/۹۸) به نقش شانس در نتایج سیاسی و تحولات تاریخی داشته است.

نتایج به‌دست آمده از بررسی باورهای ابزاری نتایج در این دوره نیز نشان می‌دهد که استراتژی مطلوب (الف-۱) مورد نظر نتایج در راستای رسیدن به اهداف سیاسی، یک استراتژی آشکارا همکاری‌جویانه^۱ (۰/۵۶) بوده، ولی تاکتیک مورد استفاده او در پیگیری مؤثر اهداف سیاسی (الف-۲) تنها تاحدی همکاری‌جویانه (۰/۲۶) بوده است؛ بنابراین، این شاخص نشان می‌دهد که نتایج در باور به یک استراتژی همکاری‌جویانه، تاکتیک مؤثری را به کار نگرفته است. نتایج سومین باور ابزاری نتایج، یعنی تمایل به خطر کردن (الف-۳) نشان می‌دهد که وی در محاسبه، کنترل، و پذیرش مخاطرات اقدامات سیاسی خود هنگام اعمال قدرت، تمایل کمی (۰/۲۷) به خطر کردن داشته است.

در مورد چهارمین باور ابزاری، یعنی باور به بهترین زمان برای اقدام به همکاری یا تعارض (ف-۴(۱))، نتایج به‌دست آمده از بررسی رمزگان عملیاتی نتایج نشان می‌دهد که وی از انعطاف‌پذیری متوسطی (۰/۴۴) برخوردار بوده است؛ به این معنا که وی کم‌وبیش به استراتژی مورد نظر خود در سیاست خارجی پایبند بوده و در جهت‌گیری به‌نفع تاکتیک‌های همکاری‌جویانه یا متعارض، جانب احتیاط را نگه داشته است. درباره بعد دیگر باور به بهترین زمان برای اقدام در نظر و عمل (ف-۴(۲)) نیز نتایج به‌دست آمده از بررسی رمزگان عملیاتی نتایج نشان می‌دهد که وی از انعطاف‌پذیری متوسطی (۰/۴۹) برخوردار بوده است؛ به این معنا که در کاربرد تاکتیک‌های همکاری‌جویانه (مثبت) یا متعارض (منفی) (در حوزه اعلانی و اعمالی) نیز نگرشی همراه با احتیاط داشته و در میانه این طیف قرار می‌گیرد. سرانجام، نتایج به‌دست آمده از پنجمین پرسش ابزاری، یعنی باور به استفاده از ابزارهای مطلوب (الف-۵) برای اعمال قدرت، نشان‌دهنده گرایش هر رهبر به استفاده از شش نوع فعل خاص است. نمره‌های بنیامین نتایج در بین ابزارهای شش‌گانه اعمال قدرت (پاداش، تعهد، استدعا/حمایت، مخالفت/مقاومت، تهدید و مجازات) نشان می‌دهد که وی برای رسیدن به اهداف خود در برابر بازیگران دیگر فعال در محیط سیاسی، بیشترین وزن مطلوبیت را به استفاده از ابزار استدعا/حمایت (۰/۵۶)، به عنوان یک ابزار همکاری‌جویانه، و کمترین وزن را به استفاده از



^۱ Definitely Cooperative



ابزارهای تهدید (۰/۰۳)، تعهد (۰/۰۴) و مجازات (۰/۰۷) داده است. نگرش‌تانیاهو به استفاده از ابزارهای باقی‌مانده، یعنی مخالفت/مقاومت (۰/۱۲) و نیز پاداش (۰/۱۷) در جایگاه نسبتاً متوسطی قرار می‌گیرد.

۲-۵. ثبات دررمزگان عملیاتی تانیاهو در دوران کابینه سوم (۲۰۱۵-۲۰۱۳)

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی باورهای فلسفی و ابزاری تانیاهو در دوران کابینه سوم نشان می‌دهد که او همچنان در مورد ماهیت جهان سیاست (ف-۱)، باوری تاحدی دوستانه (۰/۱۶) دارد. باین حال، برخلاف دوره گذشته، به تحقق آرمان‌ها و اهداف سیاسی (ف-۲) تا حدیخوش‌بینانه (۰/۰۵) می‌نگرد. نتایج مربوط به سومین پرسش فلسفی، یعنی پیش‌بینی آینده سیاسی (ف-۳)، نشان می‌دهد که تانیاهو از قابلیت پیش‌بینی اندکی (۰/۰۹) برخوردار بوده و بازیگران سیاسی را در رویدادهای گوناگون (همکاری و تعارض) دخیل می‌داند، که این امر، جهان سیاست را در نگاه او همچنان پیش‌بینی‌ناپذیر می‌کند. برداشت تانیاهو از تسلط بر تحولات تاریخی و نتایج سیاسی (ف-۴) همچون دوره پیشین، نشان از تسلط پایین (۰/۱۹) او بر این تحولات و نتایج سیاسی داشته و نقش‌سایر بازیگران و مخالفان سیاسی خود را در این مسئله پررنگ می‌بیند. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی پنجمین پرسش فلسفی نیز که تابعی از پرسش‌های سوم و چهارم فلسفی است، نشان می‌دهد که تانیاهو همچنان باور بسیار زیادی (۰/۹۸) به نقش شانس در نتایج سیاسی و تحولات تاریخی (ف-۵) داشته است.

نتایج بررسی باورهای ابزاری تانیاهو در دوران کابینه سوم نشان می‌دهد که استراتژی مطلوب (الف-۱) موردنظر وی در راستای رسیدن به اهداف سیاسی، همانند دوره پیش، یک استراتژی آشکارا همکاری‌جویانه (۰/۵۷) بوده و تاکتیک مورد استفاده وی در راه رسیدن به اهداف سیاسی نیز، همچون دوره گذشته، تاحدی همکاری‌جویانه (۰/۳۱) بوده است. هرچند برخلاف دوره گذشته، بر شدت این باور همکاری‌جویانه، اندکی افزوده شده است. نتایج سومین باور ابزاری تانیاهو، یعنی تمایل به خطر کردن (الف-۳) نشان می‌دهد که وی در محاسبه، کنترل، و پذیرش مخاطرات اقدامات سیاسی خود، هنگام اعمال قدرت، تمایل بسیار کمی (۰/۲۳) به خطر کردن داشته است. این نتیجه نشان می‌دهد که ریسک‌پذیری تانیاهو نسبت به دوره پیش، اندکی کاهش یافته است. در مورد باور ابزاری چهارم، یعنی زمان‌بندی برای اقدام (همکاری یا تعارض) (ف-۴) نتایج به‌دست‌آمده از بررسی رمزگان عملیاتی تانیاهو نشان می‌دهد که وی کماکان از انعطاف‌پذیری متوسطی (۰/۴۳) برخوردار بوده است؛ به این معنا که همچنان به استراتژی

موردنظر خود در سیاست خارجی، پایبند مانده است. در مورد بعددوم باور به زمان‌بندی برای اقدام (اعلانی و اعمالی) (ف-۲۴) نیز نتایج به‌دست آمده از بررسی رمزگان عملیاتی نتایهاو نشان می‌دهد که وی همچنان از انعطاف‌پذیری متوسطی (۰/۵۰) برخوردار بوده است؛ به‌این‌معنا که در تغییر از تاکتیک‌های همکاری‌جویانه (مثبت) به تاکتیک‌های متعارض (منفی) و برعکس، درنظر و عمل، نگرشی همراه بااحتیاط داشته و کماکان در میانه این طیف قرار می‌گیرد. سرانجام، نتایج به‌دست آمده ازپنجمین پرسش ابزاری، یعنی باور به استفاده از ابزارهای مطلوب (الف-۵) در راستای اعمال قدرت، نشان می‌دهد که نتایهاو در بین ابزارهای شش‌گانه اعمال قدرت، همچنان بیشترین وزن و مطلوبیت را به‌منظور رسیدن به اهداف سیاسی خود در برابر بازیگران دیگر، به استفاده از ابزار استدعا/ حمایت (۰/۵۲) به‌عنوان یک ابزار همکاری‌جویانه، و کمترین مطلوبیت را به استفاده از ابزار تهدید (۰/۰۱) و مجازات (۰/۰۵)، به‌عنوان ابزارهای متعارض داده است. بااین‌حال، نگرش نتایهاو در مورد استفاده از ابزارهای باقی‌مانده، یعنی پاداش (۰/۲۰) و مخالفت/مقاومت (۰/۱۶)، باوجود افزایش مطلوبیت این دوا ابزار در مقایسه با دوره گذشته، همچنان در جایگاه نسبتاً متوسطی قرار می‌گیرد.

۳-۵. تغییر در رمزگان عملیاتی نتایهاو در دوران کابینه چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵)

نتایج به‌دست آمده از بررسی رمزگان عملیاتی نتایهاو در کابینه چهارم نشان می‌دهد که باور او درباره ماهیت جهان سیاست، برخلاف نگرش خوش‌بینانه‌اش در کابینه‌های پیشین، به رویکردی که به‌طور هم‌زمان به هماهنگی و تعارض منافع در محیط سیاسی توجه دارد (۰/۰۵)، تغییر یافته است. این تغییر نگرش، بر دومین باور فلسفی نتایهاو، یعنی تحقق آرمان‌ها و اهداف سیاسی (ف-۲) نیز تأثیر گذاشته و برخلاف دوره‌های گذشته، نگرش او را تاحدی بدبینانه (۰/۰۵-) کرده است. نتایج مربوط به سومین پرسش فلسفی، یعنی پیش‌بینی آینده سیاسی (ف-۳) نشان می‌دهد که نتایهاو، همچنان بازیگران سیاسی دیگر را در رویدادهای گوناگون، اعم از مثبت (همکاری‌جویانه) و منفی (متعارض)، دخیل دانسته و جهان سیاست را پیش‌بینی‌ناپذیر (۰/۰۸) می‌داند. نتایج به‌دست آمده از بررسی چهارمین پرسش فلسفی نشان می‌دهد که نتایهاو باور کمی (۰/۱۸) به تسلط خود بر تحولات تاریخی و نتایج سیاسی (ف-۴) داشته و به‌همان‌نسبت به کنترل تحولات تاریخی و نتایج سیاسی توسط مخالفان و بازیگران سیاسی دیگر، باور داشته است. در وضعیت‌های بحرانی و حاد تصمیم‌گیری، رهبرانی که معمولاً تسلط کمتری بر تحولات تاریخی دارند، ممکن است در انتخاب گزینه‌های موجود برای رویارویی با مخالفان خود، احساس محدودیت کرده و این کمبود تسلط را با ایجاد درگیری و اقدامات تهاجمی جبران کنند. معمولاً زمانی که

یک رهبر، خود را در تنگنا می‌بیند و هیچ گزینه مناسبی ندارد، به واکنش‌های خشونت‌آمیز روی می‌آورد (Post, 2003, 391).

نتایج به‌دست آمده از بررسی باور پنجم فلسفی، یعنی نقش شانس در تحولات تاریخی (ف-۵) که تابعی از پاسخ به پرسش‌های سوم و چهارم فلسفی است، نشان می‌دهد که نتایج هم‌چون دو دولت پیشین خود، باور زیادی (۰/۹۸) به نقش شانس در تحولات تاریخی و نتایج سیاسی داشته است.

نتایج بررسی باورهای ابزاری نتایج در دوران کابینه چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵) نشان می‌دهد که استراتژی مطلوب (الف-۱) وی در راستای رسیدن به اهداف سیاسی، تغییرات محسوسی داشته و برخلاف دوره گذشته، کمتر همکاری جویانه (۰/۱۹) بوده است. تاکتیک (الف-۲) مورد استفاده نتایج در راه رسیدن به اهداف سیاسی نیز برخلاف دوره گذشته، تا حد بسیار کمی همکاری جویانه (۰/۰۶) بوده است. نتایج سومین باور ابزاری نتایج، یعنی تمایل به خطر کردن (الف-۳) نشان می‌دهد که وی در محاسبه، کنترل، و پذیرش مخاطرات اقدامات سیاسی خود هنگام اعمال قدرت، تمایل کمی به خطر کردن (۰/۲۲) داشته است. در مورد باور ابزاری چهارم، یعنی باور به زمان‌بندی برای اقدام (همکاری یا تعارض) (ف-۴) نتایج به‌دست آمده از بررسی رمزگان عملیاتی نتایج نشان می‌دهد که وی، برخلاف دوره‌های پیشین، از انعطاف‌پذیری بیشتری (۰/۷۱) در زمینه باور به ضرورت تغییر در تاکتیک‌های همکاری جویانه و متعارض برخوردار شده است؛ باین حال، سطح انعطاف‌پذیری وی در استفاده از انواع رفتارهای همکاری جویانه و متعارض در سطح اعلانی و اعمالی (ف-۴) همانند دوره‌های پیشین، در جایگاه متوسطی (۰/۵۰) قرار دارد. سرانجام، باور نتایج به استفاده از ابزارهای مطلوب (الف-۵) برای اعمال قدرت نشان می‌دهد که وی هنوز بیشترین سودمندی را در استفاده از ابزار استدعا/حمایت (۰/۴۶) به‌عنوان ابزاری همکاری جویانه در ارتباط با بازیگران فعال در محیط سیاسی به‌شمار می‌آورد. باین حال، در مقایسه با دوره‌های گذشته، باور به استفاده از این ابزار، کاهش محسوسی داشته و به همان میزان بر مطلوبیت بهره‌مندی از ابزارهای دیگر اعمال قدرت، همچون ابزارهای متعارض مانند مخالفت/مقاومت (۰/۲۴)، تهدید (۰/۰۵) و مجازات (۰/۱۳) در جهان‌بینی نتایج افزوده شده است. کمترین میزان مطلوبیت در ابزارهای اعمال قدرت در این دوره را برخلاف دوره‌های پیشین، ابزار تعهد (۰/۰۱) به خود اختصاص داده است؛ به‌این معنا که نتایج، برخلاف دوره‌های پیشین، به استفاده از ابزار تعهد در برابر بازیگران سیاسی دیگر، به‌ویژه متحدان اسرائیل (آمریکا)، چندان باور نداشته است.

نتیجه‌گیری



۴۰۸

پژوهش‌نامه ایرانی

سیاست بین‌الملل،

سال ۱۲، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان

۱۴۰۲

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی الگوهای ادراکی بنیامین نتانیاهو در حوزه سیاست خارجی با استفاده از تحلیل دیدگاه‌ها و مواضع وی در دوران تصدی نخست‌وزیری اسرائیل بوده است. به این منظور، متون مربوط به سیزده سخنرانی وی درباره سیاست خارجی اسرائیل، در قالب سه دوره زمانی، به تفکیک کابینه دوم (۲۰۱۳-۲۰۰۹)، کابینه سوم (۲۰۱۵-۲۰۱۳)، و کابینه چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵) به رهبری وی، در چارچوب رویکرد تحلیل رمزگان عملیاتی و روش «افعال در نظام متن» مورد تحلیل محتوای کمی قرار گرفت. نتایجی که از بررسی الگوهای ادراکی نتانیاهو در حوزه باورهای فلسفی و ابزاری به دست آمد، نشان می‌دهد که باورهای فلسفی نتانیاهو در طول کابینه دوم و سوم (۲۰۱۵-۲۰۰۹)، ثباتی نسبی داشته است. در حوزه باورهای فلسفی، نتانیاهو در این دوران، نگرشی نسبتاً خوش‌بینانه به سرشت روابط (ف-۱) در عرصه سیاست خارجی دارد که از هماهنگی نسبی با منافع اسرائیل برخوردار بوده و امکان تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های سیاسی (ف-۲) مورد نظر وی در این عرصه را تا حدودی فراهم می‌کند. با این حال، «دیگری» همواره نقش پررنگ و تأثیرگذاری بر نظام ادراکی نتانیاهو داشته و می‌توان رد پای آن را در هر کنش مثبت و منفی سیاست خارجی در نظام باورهای وی مشاهده کرد. نتانیاهو با انتساب طیف متنوعی از اقدامات همکاری‌جویانه و متعارض به «دیگری» (مخالفان سیاسی، بازیگران داخلی و بین‌المللی) امکان پیش‌بینی آینده سیاسی (ف-۳) و کنترل تحولات تاریخی و نتایج سیاسی (ف-۴) را از خود سلب کرده و باورزیادی به نقش شانس (ف-۵) در این تحولات دارد. این ثبات در باورهای فلسفی نتانیاهو در کابینه دوم و سوم به رهبری وی، به حوزه باورهای ابزاری نیز تسری یافته است؛ به گونه‌ای که در هر دو مقطع، به استراتژی (الف-۱) آشکارا همکاری‌جویانه‌ای باور داشته و تاکتیک (الف-۲) مورد استفاده وی برای رسیدن به اهداف سیاسی نیز تاحدی همکاری‌جویانه بوده است. افزون‌بر این، میزان انعطاف‌پذیری (الف-۴) نتانیاهو در تغییر نوع تاکتیک مورد استفاده (همکاری/تعارض) در کابینه دوم و سوم در سطح متوسطی بوده است. این باور از یک سو، نشانه پایبندی وی به راهبرد مورد نظر خود در سیاست خارجی و از سوی دیگر، نشانه ریسک‌پذیری پایین (الف-۳) او می‌باشد. در بین ابزارهای مطلوب (الف-۵) مورد استفاده نتانیاهو در دو مقطع کابینه دوم و سوم، وی بیشترین سودمندی را در استفاده از ابزار استدعا/حمایت در راستای جلب حمایت متحدان اسرائیل و به حاشیه‌راندن دشمنان این رژیم در عرصه سیاست خارجی داشته و به کاربرد ابزارهای همکاری‌جویانه‌ای مانند ابزار تعهد و ابزارهای متعارض مانند مجازات و تنبیه، کمترین تمایل را داشته است. همچنین، استفاده از ابزارهای مقاومت/مخالفت و ابزار پاداش در نظام ادراکی نتانیاهو در این دوره در جایگاه متوسطی بوده است.



با ورود به کابینه چهارم، برخی از باورهای فلسفی و ابزاری نتایهاو نسبت به دو کابینه پیشین، دچار تحول شده است. در چارچوب باورهای فلسفی، خوش‌بینی آشکار نتایهاو به ماهیت جهان سیاست (ف-۱) و باور به تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های سیاسی (ف-۲) جای خود را به نگرشی نسبتاً بدبینانه داده است؛ به گونه‌ای که نتایهاو، عرصه سیاست خارجی را چندان با منافع اسرائیل هماهنگ نمی‌بیند. برخی از باورهای ابزاری نتایهاو نسبت به دو کابینه گذشته نیز تغییراتی را به خود دیده است. استراتژی موردنظر نتایهاو (الف-۱) از یک استراتژی آشکارا همکاری‌جویانه، به سوی یک استراتژی تاحدی همکاری‌جویانه سوق یافته و تاکتیک موردنظر (الف-۲) وی برای رسیدن به اهداف سیاسی، از یک تاکتیک تاحدی همکاری‌جویانه، جای خود را به تاکتیکی آمیخته از همکاری و تعارض داده است. یکی دیگر از موارد تغییر، افزایش انعطاف‌پذیری نتایهاو در تغییر تاکتیک (همکاری و تعارض) (الف-۴) در عرصه سیاست خارجی است که نشان‌دهنده پایبندی پایین او به راهبرد خود در سیاست خارجی و تصمیم‌گیری، بنا به شرایط زمانی بوده که پیش‌بینی کنش وی در این عرصه را دشوار می‌کند. سرانجام، باور نتایهاو به استفاده از ابزار مطلوب (الف-۵) در سیاست خارجی نیز دچار تغییراتی شده است. تاحدودی از مطلوبیت استفاده از ابزار استدعا/حمایت کاسته شده و درمقابل، بر مطلوبیت ابزارهای متعارضی همچون مقاومت/مخالفت، تهدید و مجازات در چارچوب نظام باورهای نتایهاو، افزوده شده است. یکی از دلایل اصلی تغییر نظام باورهای نتایهاو در طول دولت چهارم (۲۰۱۹-۲۰۱۵) را می‌توان در حرکت غیرمترقبه آمریکا (متحد) و ایران (دیگری) در انعقاد توافق اتمی (برجام) و کاستن از تنش در روابط دوجانبه در آغاز کابینه چهارم به‌رهبری وی در نظر گرفت. این تغییر باور را می‌توان به‌خوبی از سخنان نتایهاو در گردهمایی سالانه کمیته عمومی آمریکا-اسرائیل (ایپک) در سوم مارس ۲۰۱۵ در آستانه توافق هسته‌ای (برجام) مشاهده کرد:

اسرائیل و ایالات متحده بر این باورند که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. اما ما در مورد بهترین راه برای جلوگیری از توسعه این تسلیحات توسط ایران اختلاف نظر داریم. در حال حاضر اختلاف نظر بین متحدان، امری طبیعی است که گاهی حتی بین نزدیک‌ترین متحدان وجود دارد؛ زیرا، تفاوت‌های مهمی بین آمریکا و اسرائیل وجود دارد. آمریکا کشور بزرگی است؛ اسرائیل کشور کوچکی است. آمریکا در یکی از امن‌ترین مناطق جهان قرار دارد؛ اسرائیل در خطرناک‌ترین منطقه جهان قرار دارد. آمریکا قوی‌ترین قدرت جهان است؛ اسرائیل قوی است، اما بسیار آسیب‌پذیر است. رهبران آمریکا نگران امنیت کشورشان هستند؛ رهبران اسرائیل نگران بقای کشورشان هستند. من نه سال نخست‌وزیر اسرائیل بوده‌ام. حتی یک روز نبوده که به بقای کشورم و اقداماتی که برای اطمینان از بقای آن لازم است، فکر نکرده

باشم. به دلیل این تفاوت‌ها، آمریکا و اسرائیل در جریان دوستی تقریباً هفتادساله ما، اختلافاتی جدی داشته‌اند» (Netanyahu, 2015 March 3).

References

- Brownstein, L. (1977). Decision Making in Israeli Foreign Policy: An Unplanned Process. *Political Science Quarterly*, 92(2), 259–279.
- Dille, B. (2000). The Prepared and Spontaneous Remarks of Presidents Reagan and Bush: A Validity Comparison for at-a-Distance Measurements. *Political Psychology*, 21(3), 573–585.
- George, A. L. (1969). The Operational Code: A Neglected Approach to the Study of Political Leaders and Decision Making. *International Studies Quarterly*, 13(2), 190–222.
- Holsti, O. (1970). The Operational Code Approach to the Study of Political Leaders: John oosrrr uu ssss' Phooosphllll ll d Insrrumnl ll Beliefs. *Canadian Journal of Political Science*, 3(1), 123–157.
- Hudson, V. M. & Vore, C. S. (1995). Foreign Policy Analysis: Yesterday, Today, and Tomorrow. *Mershon International Studies Review*, 39(2), 209–238.
- Khosravi, A. & Afrasiabi, S. (2018). Evnns nnd Evuuuoon of Laadrr s' Bffff Chng.: The Case of Barack Obama and 11th Presidential Election in Iran. *Politics Quarterly*, 48(3), 651-670. [in Persian].
- Masoudi, H. (2020). Joe Bddn's pp rrooonll Codss nn oorggn Policy. *Political and international approaches*, 12(2), 95-122. [in Persian].
- McLellan, D. S. (1971). The Operational Code Approach to the Study of Political Leaders: aaa n Ahhooon's Phooosphllll ll d Insrrumnl ll Beliefs. *Canadian Journal of Political Science*, 4(1), 52–75.
- Netanyahu, B. (2010, February 17). *Netanyahu Addresses Conference of Presidents of Major American Jewish Organizations*. Israel MFA. Available at: https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2010/Pages/PM_Netanyahu_addresses_Conference_Presidents_17-Feb-2010.aspx
- Netanyahu, B. (2012, March 5). *PM Netanyahu Addresses AIPAC Policy Conference*. Israel MFA. Available at: https://www.mfa.gov.il/mfa/pressroom/2012/pages/pm_netanyahu_aipac_policy_conference_5-mar-2012.aspx.
- Netanyahu, B. (2012, September 27). *PM Netanyahu Addresses UN General Assembly*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/mfa/pressroom/2012/pages/pm-netanyahu-addresses-un-27-sep-2012.aspx>.
- Netanyahu, B. (2013, October 1). *PM Netanyahu Addresses UN General Assembly*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2013/Pages/PM-Netanyahu-addresses-UN-General-Assembly-1-Oct-2013.aspx>.
- Netanyahu, B. (2013, November 10). *PM Netanyahu Addresses Jewish Federations of North America*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2013/Pages/PM-Netanyahu-addresses-Jewish-Federations-of-North-America-10-Nov-2013.aspx>.
- Netanyahu, B. (2013, December 8). *PM Netanyahu's address to the SABAN FORUM*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2013/Pages/PM-Netanyahu-address-to-the-Saban-Forum-8-ec-2013.aspx>.



۴۱۱

تحلیل رمزگان عملیاتی
نتانياهو در عرصه سیاست
خارجی

- Netanyahu, B. (2014, February 17). *PM Netanyahu addresses conference of presidents of major American Jewish organizations*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2014/Pages/PM-Netanyahu-addresses-Conference-of-Presidents-of-Major-American-Jewish-Organizations-17-Feb-2014.aspx>.
- Netanyahu, B. (2014, March 4). *PM Netanyahu Addresses AIPAC Policy Conference*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2014/Pages/PM-Netanyahu-addresses-AIPAC-4-Mar-2014.aspx>.
- Netanyahu, B. (2015, March 3). *PM Netanyahu's Speech to a Joint Session of the US Congress*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2015/Pages/PM-Netanyahus-speech-to-Congress-3-March-2015.aspx>.
- Netanyahu, B. (2015, May 9). *PM Netanyahu Addresses the Herzliya Conference*, Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2015/Pages/PM-Netanyahu-addresses-the-Herzliya-Conference-9-Jun-2015.aspx>.
- Netanyahu, B. (2015, August 4). *PM Netanyahu Addresses Jewish Federations on Iran*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2015/Pages/PM-Netanyahu-addresses-Jewish-Federations-on-Iran-4-Aug-2015.aspx>.
- Netanyahu, B. (2015, October 1). *PM Netanyahu Addresses the UN General Assembly*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2015/Pages/PM-Netanyahu-addresses-the-UN-General-Assembly-1-Oct-2015.aspx>
- Netanyahu, B. (2018, September 27). *PM Netanyahu addresses UN general assembly*. Israel MFA. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2018/Pages/PM-Netanyahu-addresses-UN-General-Assembly-27-September-2018.aspx>
- Özdamar, Z. (2017). Leadership Analysis at a Great Distance: Using the Operational Code Construct to Analyze Islamist Leaders. *Global Society*, 31(2), 167–198.
- Post., J. M. (2003). *The Psychological Assessment of Political Leaders: With Profiles of Saddam Hussein and Bill Clinton*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Renshon, J. (2008). Stability and change in belief systems. *Journal of Conflict Resolution*, 52(6), 820–849.
- Renshon, J. (2009). When Public Statements Reveal Private Beliefs: Assessing Operational Codes at a Distance. *Political Psychology*, 30(4), 649–661.
- Schafer, M. (2000). Issues in Assessing Psychological Characteristics at a Distance: An Introduction to the Symposium. *Political Psychology*, 21(3), 511–527.
- Schafer, M. & Walker, S. G. (2006a). Democratic Leaders and the Democratic Peace: The Operational Codes of Tony Blair and Bill Clinton. *International Studies Quarterly*, 50(3), 561–583.
- Schafer, M., & Walker, S. (2006b). *Beliefs and Leadership in World Politics: Methods and Applications of Operational Code Analysis*. (1st ed.). Palgrave Macmillan.
- Suedfeld, P., Guttieri, K., & Tetlock, P. (2003). Assessing Integrative Complexity at a Distance: Archival Analyses of Thinking and Decision Making. In J. M. Post. (Ed.). *The Psychological Assessment of Political Leaders* (pp. 246–270). Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Walker, S. G. (1977). The Interface between Beliefs and Behavior. *Journal of Conflict Resolution*, 21(1), 129–168.
- Walker, S. G. (1983). The Motivational Foundations of Political Belief Systems: A Re-Analysis of the Operational Code Construct. *International Studies Quarterly*, 27(2), 179–



202.

Walker, S. G., Schafer, M., & Young, M. D. (1998). Systematic Procedures for Operational Code Analysis. *International Studies Quarterly*, 42(1), 175–189.

Walker, S. G.; Schafer, M., & Young, M. D.(2003).Profiling the Operational Codes of Political Leaders.In J. M. Post. (Ed.). *The Psychological Assessment of Political Leaders: With Profiles of Saddam Hussein and Bill Clinton* (pp. 215–245). Ann Arbor: University of Michigan Press.

Willigen, N.,& Bakker, F. E.(2021).Trauma and Belief Systems; AnOperational Code Analysis of Dutch Prime Minister Rutte and the Downing of Flight MH17. *Risk, Hazards & Crisis in Public Policy*, 12(2), 215–233.

Young, M. D., & Schafer, M. (1998). Is There Method in our Madness? Ways of Assessing Cognition in International Relations. *Mershon International Studies Review*, 42(1), 63–96.



۴۱۳

تحلیل رمزگان عملیاتی
نناهاو در عرصه سیاست
خارجی

